

## تأثیر بحران اوکراین بر امنیت انرژی اروپا و آمریکا

دکتر عابد اکبری، تحلیلگر مسائل سیاسی و مدیر عامل مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار در مصاحبه تلفنی با مرکز مطالعات آمریکا، با واکاوی ریشه اصلی جنگ اوکراین، به تأثیر بحران اوکراین بر امنیت انرژی اروپا و آمریکا پرداخت که در ادامه، به صورت پرسش و پاسخ به آن اشاره خواهد شد.

**قبل از هر چیز، لازم است تا بدانیم که جناب عالی، ریشه اصلی جنگ اوکراین را در چه چیزی می‌دانید؟ بهانه جویی روسیه و زیاده‌خواهی ناتو و غرب یا یک سناریوی از پیش تعیین شده از سوی آمریکا، برای به باتلاق کشاندن روسیه؟**

آقای پوتین با درگیر شدن در مبارزه مسلحانه‌ای که در حقیقت، علیه اوکراین بود، به استراتژی غیرمستقیم یکپارچه‌ای که در هشت سال گذشته علیه این کشور اجرا شده بود، پایان داد؛ یعنی بعد از مسئله کریمه. با این حال، این ابتکار عمل، یک گسست یا انفصال استراتژیک را نشان نمی‌دهد

که حداقل در ابتدا، این‌گونه نبوده است. درگیر شدن مبارزه مسلحانه بین دولتی علیه اوکراین، یک گزینه حداکثری بود که نظریه‌پردازی نظامی روسیه و کارشناسان ارشد نظامی این کشور، در ابتدا سعی می‌کردند تا جایی که امکان دارد، از آن اجتناب کنند؛ اما در نهایت اجرایی شد. از این منظر، به نظر می‌رسد که مسکو، مقدمات جنگ در اوکراین را بر اساس تئوری‌های مبارزه مسلحانه اسپینچنکو، در نظر گرفته بود، اما بعد از اینکه هفته اول، دوم و سوم، حمله انجام شد و مشکلاتی را پیش روی خود دید، سعی کرد تا در استراتژی‌اش، تجدیدنظر کند. در واقع، به نوعی می‌توان گفت که راهبرد غیرمستقیم مبارزه مسلحانه با شدت بالا را بدون هیچ پیوند مشخصی با سیاست مدنظر جایگزین کرد؛ یعنی با شکست یک استراتژی، به اجرای یک استراتژی دیگر برای روسیه منجر شد. البته رابطه این حمله با آمریکایی‌ها و غرب را نیز این‌گونه می‌توان توضیح داد. روس‌ها ضرب‌المثلی دارند که می‌گویند با خرسی که تازه از خواب بیدار

## روسیه، به نظر شما اروپا تا چه زمانی می‌تواند در مقابل بحران انرژی مقاومت کند؟

مدل کسب‌وکاری که به‌عنوان مثال در آلمان، به‌عنوان اقتصاد اول اروپا و در بسیاری از کشورهای دیگر اروپایی وجود داشت، این‌گونه بود که با استفاده از مقادیر بسیار زیادی از انرژی، هر زمان که از جانب روسیه دریافت می‌کردند، محصولات بالادستی چینی که در اروپا وجود داشت، به محصولات باکیفیت تبدیل شده و عمدتاً نیز به چین صادر می‌شدند. چین یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری بسیاری از کشورهای اروپایی و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شریک تجاری آلمان (اقتصاد اول اروپا) است. در واقع، کل بخش‌های اقتصادی به‌نوعی به بازار چین وابسته هستند. زنجیره تأمین سایر بخش‌ها به تأمین‌کننده‌های چینی وابستگی دارد. یکی از ستون‌های این سیستم در حال حاضر و به‌صورت مشخص قبل از جنگ، گاز ارزان روسیه بود که امروزه آن ستون، در حال لرزش تجارت با روسیه به دلیل تحریم‌های اتحادیه اروپا،

شده است، هیچ‌وقت نباید پنجه در پنجه شد؛ یعنی نباید به‌طور مستقیم، با آن درگیر شد. در واقع، باید آن را به این طرف و آن طرف کشاند تا خسته شود، سپس به آن، ضربه وارد کرد. به نظر می‌رسد که جنگ اوکراین، یک نوع دام یا دسیسه آمریکایی برای روسیه بود؛ زیرا روسیه طی سال‌های گذشته، واقعاً به سان یک خرس تازه از خواب بیدار شده، به‌عنوان یک کنشگر بسیار فعال، در منطقه و عرصه بین‌الملل حضور داشت و همان‌طور که عرض کردم، مانند یک خرس تازه از خواب بیدار شده بود؛ یعنی آن امپراتوری را که در گذشته داشت، دوباره احیا کرد. امپراتوری قدرت بزرگی که در گذشته داشت، دوباره احیا شد. از این‌رو، آمریکایی‌ها و غرب، سعی کردند تا با جنگ اوکراین، آن خرس تازه از خواب بیدار شده روسیه را خسته کنند و با فرسایشی کردن جنگ، انرژی آن را تخلیه نمایند تا آن را در منطقه و نظام بین‌الملل، به چالش بکشاند.

**باتوجه به وابستگی شدید برخی کشورهای اروپایی به انرژی و گاز**

به شدت محدود شده است و موادی مانند گاز، نفت خام و زغال سنگ، بسیار کم به آلمان و سایر کشورهای اروپایی صادر می‌شود. به‌صورت مشخص، آلمان قبل از جنگ، نیمی از گاز خود را از روسیه وارد می‌کرد و از سپتامبر ۲۰۲۱ تا سپتامبر فعلی (۲۰۲۲)، حدود ۳۰ درصد از مصرف انرژی آن، کم شده که به‌صورت مشخص، ۱۸ درصد از آن، به بحث تحریم‌های روسیه و چالش‌هایی که با روسیه به وجود آمده است، مربوط می‌شود. اگر بخواهیم کلی بیان کنیم، نمی‌توان انتظار داشت که به‌عنوان مثال، یکی از دو طرف، به‌طور کامل از پا درآید و تسلیم شود که قطعاً شاهد این اتفاق نخواهیم بود؛ اما اروپا و روسیه (با توجه به تعاملی که داشته‌اند) در حوزه انرژی، به‌سرعت تا پایان زمستان، آسیب جدی می‌بینند و دچار چالش‌های اقتصادی جدی در سال‌های آینده خواهند شد. هرچند که امسال مهم نیست، یعنی انرژی و صادرات انرژی به‌گونه‌ای است که غیر از مصارف شهروندی، در مصارف صنعتی، آثار تخریبی خود را بر



اروپایی، این روند شاید کمی کاهش داشته باشد؛ که ممکن است این کاهش، چشم‌گیر نباشد اما روند نزولی داشته باشد. البته همه این‌ها، کاملاً به صحنه نبرد اوکراین بستگی دارد و با هر پیروزی اوکراینی‌ها، قیمت انرژی می‌تواند روند کاهشی تری داشته باشد.

**سخنرانی‌های اخیر پوتین در مورد تحریم‌ها و فروپاشی اجتماعی و صنعتی غرب و اروپا را تا چه حد جدی می‌دانید؟**

به نظر بنده، سخنرانی پوتین درباره تحریم‌ها و فروپاشی اجتماعی و صنعتی غرب و

سطح تنش در اوکراین، کم کردن سطح درگیری قیمت انرژی در اروپا، روند کاهشی موقتی را دنبال کند، مگر اینکه روسیه، بخواهد تغییر استراتژی دهد و پاسخ‌های گسترده‌ای بدهد، آن‌هم نسبت به حملاتی که اوکراینی‌ها با حمایت غرب انجام می‌دهند؛ بنابراین، ما شاهد ثبات با روند فعلی یا ثبات قیمت انرژی و روند نزولی قیمت انرژی در اروپا خواهیم بود و کم‌کم قیمت انرژی البته نه به قیمت قبل از حمله روسیه به اوکراین، بلکه مانند الآن، با ۱۰ برابر قیمت برخی حامل‌ها در آلمان و بسیاری از کشورهای

روی اقتصاد، از یک سال یا از شش ماه به بعد می‌گذارد و به نظر می‌رسد که اروپا در مواد اولیه و روسیه در تأمین مالی برای پروژه‌های اقتصادی در سال آینده میلادی و شش ماهه دوم سال ۲۰۲۳، دچار چالش‌های بسیار جدی خواهد شد. قیمت انرژی در اروپا به صحنه نبرد در اوکراین، به شدت وابسته است. پیش‌بینی این است که اگر صحنه نبرد طبق تحولات هفته گذشته و بعد از آن حجم گسترده تسلیحاتی که به اوکراین داده شد و استراتژیکی که روسیه در پیش گرفته، مبنی بر کم کردن

سخنرانی‌های مقامات آلمانی، انگلیسی و فرانسه را باید در قالب رجزخوانی‌های میدان جنگ تحلیل کرد. در واقع، هر دو طرف می‌دانند که هیچ‌کدام از این دو طرف، به فروپاشی منجر نخواهند شد، اما یک واقعیت وجود دارد، آن هم اینکه حمله روسیه به اوکراین و القای ترس از روسیه و ترس از پوتین، به صورت مشخص در اروپا، نگرانی‌های بسیار زیادی را در جامعه اروپایی به ویژه در کشورهای بزرگ مانند آلمان و فرانسه، ایجاد کرده است. امروزه جوانان اروپایی از خودشان می‌پرسند، کشورها در مقابل این ترس بی‌شمار و نامحدودی که از جانب روسیه (طبق گفته مقامات ارشد کشور خودشان) وجود دارد، چه کاری‌کنند؟ آمریکا به عنوان متحد شماره یک اروپا در پاسخ به این تهدیدات، چه کارهایی انجام می‌دهد؟ پاسخ همه این‌ها و تردیدهای جدی که وجود دارد، در توانمندی دولت‌ها در پاسخ به ترسی که خودشان القا و ایجاد کرده‌اند و از نگرانی‌های جدی که از همراهی آمریکا دارند، به نوعی چالش‌های اجتماعی بسیار زیادی را امروزه در

اروپا ایجاد کرده است. ما امروزه در اروپا، جوانان بسیار زیادی را می‌بینیم که از آینده، نگرانی جدی دارند؛ به عنوان مثال در آلمان، تعداد نفراتی که هر روز تصمیم می‌گیرند به استرالیا مهاجرت کنند و در آنجا، به زندگی خودشان ادامه دهند، به ویژه در میان قشر جوان، بسیار زیاد شده که همه این‌ها، ناشی از جنگ اوکراین و پیامدهای اجتماعی است که ایجاد کرده‌اند.

### به نظر شما، بحث اعتراضات مردمی در اروپا به دلیل بحث کمبود حامل‌های انرژی و افزایش سرسام‌آور قیمت آن‌ها، به چه میزان جدی است؟

درباره اعتراضات مردمی، اعتراضات گسترده‌ای را پیش‌بینی نمی‌کنم، غیر از اعتراضاتی که در ناپل ایجاد شد، آن هم برای قبض‌های برق یا برخی از کشورهای دیگر مانند چک که احتمالاً در کشورهای مختلف اروپایی، شاهد آن خواهیم بود؛ اما این سطح از گستردگی و در حقیقت، بی‌ثباتی را نمی‌تواند به ارمغان بیاورد، آن هم به دلایل مختلف. کشورهایی که

وابستگی بسیار زیادی به انرژی و گاز روسیه داشتند، حالا دودسته هستند؛ یکی کشورهای بزرگ مانند آلمان و یکسری کشورهای کوچک تر اروپایی. کشورهای کوچک‌تر که به نوعی به دنبال مسیرهای جایگزین هستند و تا حدودی برخی از آن‌ها نیز موفق شده‌اند. آلمانی‌ها نیز سیاست‌های اقتصادی ریاضتی را در پیش گرفته‌اند؛ آن‌ها یارانه ۳۰۰ یورویی برای دهک‌های پایین اجتماعی در نظر گرفته یا در صنعت حمل‌ونقل انرژی، تأثیر مستقیمی در صنعت حمل‌ونقل دارند، پروژه بلیت‌های ۹ یورویی را شروع کرده‌اند که این‌ها تا حدود بسیار زیادی، توانست فشار پایین جامعه را که عامل اصلی بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی هستند، مدیریت کند؛ بنابراین، شاهد اعتراضات گسترده نخواهیم بود. درباره افزایش قیمت‌ها و تورم نیز شاهد یک روند رو به رشدی خواهیم بود به طور مثال، همه کشورها رکورد زده‌اند؛ پیش‌بینی می‌شود که انگلیس تا ۱۸ درصد و آلمان نیز به همین شکل، سطح تورم‌شان احتمالاً در طول سال‌های بعد از جنگ،

نیز این امر را برجسته‌تر کرد و برخی از سیاست‌مدارهای خوش‌بین اروپایی را با این واقعیت آشنا کرد که در شرایطی که قیمت حامل‌های انرژی مانند گاز در اروپا ۱۰ برابر شده است، ما شاهد کاهش قیمت گاز و بنزین در آمریکا هستیم و اروپایی‌ها می‌بینند که آمریکایی‌ها کمک‌های بسیار ناچیزی را در این زمینه، کرده و در شرایطی که اروپا با چالش بسیار جدی در حوزه انرژی مواجه بوده، آمریکا به دنبال منافع اقتصادی بیشتر خود است.

**به نظر شما، مشکلات انرژی پیش‌آمده میان روسیه و اروپا و اعلام آمادگی ایران برای تأمین بخشی از انرژی موردنیاز اروپا، چه تأثیری بر روی آینده روابط با اروپا و مسئله مذاکرات احیای برجام دارد؟**

امروزه یک نارضایتی جدی در بدنه میانی تحلیل‌گران مدیران سیاسی اروپایی وجود دارد؛ که شاید مدیران ارشد سیاسی و کارگزاران اصلی، به دلیل برخی ملاحظات سیاسی، از ابراز آن خودداری می‌کنند، اما به نظر می‌آید که این موضوع، یک چالش

وقتی ترامپ به قدرت رسید، شعار اول آمریکا را مطرح کرد که این شعار، بسیار زود به همه فهماند که منظور از اول آمریکا، تنها آمریکا است و این تنها آمریکا به ویژه برای متحدان این کشور، بسیار دردآور و دشوار بود. متحدانی که همیشه خودشان را کنار آمریکا تعریف و درک می‌کردند؛ اما امروزه می‌بینند که آمریکا، تنها به فکر خودش است. این امر، باعث شد که یک احساس تنهایی در میان متحدان شکل بگیرد. اروپا به‌عنوان بزرگ‌ترین متحد آمریکایی‌ها، بسیار بیشتر از دیگران، این تنهایی را احساس کرد. زمانی که بایدن به ریاست جمهوری رسید، کماکان تردیدهایی در اروپا وجود داشت که این شکاف‌های فرآتلانتیکی - که در زمان ترامپ، بسیار برجسته و عیان شده بود - ترمیم پیدا کند؛ اما اروپایی‌ها، بسیار زود متوجه شدند که این، سیاست ترامپ نبود و در واقع، سیاست آمریکایی‌ها است که با وجود رئیس‌جمهورهای مختلف، در حال دنبال کردن آن هستند که در واقع، توجه بیشتر به خود آمریکا و بی‌توجهی به چالش‌های متحدانش است. جنگ اوکراین

بی‌سابقه خواهد بود و کشورهای مختلف اروپایی نیز به همین شکل هستند، اما به نظر بنده، اتفاقاتی که برای تورم افتاد، دیگر شاهد شگفتی تورمی بیش از این در اروپا نخواهیم بود. با توجه به اینکه آثار تورمی خود را گذاشته است، شاید درصد کمی از تورم فعلی، افزایش پیدا کند. هرچند تورم همچون عامل اصلی گاز است، رابطه مستقیم با صحنه نبرد در اوکراین دارد و اگر اروپایی‌ها بتوانند با حمایت‌های بیشتری که از اوکراین می‌کنند، صحنه نبرد را به نفع آن تا حدی تغییر بدهند، به نظر بنده، این موضوع بر روی تورم نیز اثر می‌گذارد و تورم در اروپا را تثبیت کرده یا به آن، کاهش حداقلی می‌دهند.

**به نظر می‌رسد که آمریکا، به دلیل ذخایر مناسبی که دارد، به گونه‌ای هدفمند، هم‌زمان رقبای اقتصادی و سیاسی (روسیه و اروپا) خود را وارد یک چالش برنامه‌ریزی شده کرده است، نظر جنابعالی چیست؟**

سؤال مهمی است، زیرا به نظر بنده بزرگ‌ترین اثر بر جای مانده از جنگ، همین موضوع است.

جدی است و آن انتظار از آمریکا درباره مذاکرات هسته‌ای با ایران وجود دارد. در واقع، این کشورها انتظار دارند که آمریکایی‌ها در مذاکرات، منطقی‌تر برخورد کنند تا به نتیجه برسند و با ورود جدی‌تر ایران به چرخه صادرات انرژی، بتوانند ماه‌های پیش روی خودشان را مدیریت کنند. البته شاهد این امر هستند که آمریکایی‌ها با بهانه‌تراشی‌های واهی و تأثیرپذیری زیادی که مثلاً از رژیم صهیونیستی یا سایر بازیگران مخرب در مذاکرات دارند، بدون در نظر گرفتن ملاحظات اروپایی‌ها در ماه‌های پیش رو و چالش‌هایی که برای آنان وجود دارد، رفتار می‌کنند که این امر، ناراحتی زیادی را در کشور اروپایی، ایجاد کرده است.

با ورود ایران به چرخه انرژی، به دو شکل، می‌تواند بر روی قیمت انرژی یا بازار قیمت اروپا، تأثیرگذار باشد که به صورت مستقیم، پیش‌بینی نمی‌شود که ایران، بتواند یا بخواهد و استراتژی‌اش، این باشد که به سمت اروپا به صورت مستقیم، گاز یا نفت صادر بکند؛ اما قطعاً ورود ایران به بازار، اثر روانی زیادی بر روی

آن خواهد داشت. این موضوع، می‌تواند در مدیریت قیمت‌ها، اثرگذار باشد و تا حدی اثر روانی پیامدها و سیگنال‌های مثبتی را به سمت اروپا گسیل کند. هرچند ورود ایران یک اثر فیزیکی نیز دارد که آن هم این است که برخی از بازارهای دیگر مانند بازی‌های آسیایی جنوب شرقی فعال می‌شوند که تقاضای زیادی دارند و تقاضای آن‌ها، هر روز رو به افزایش است.

### در نهایت، آینده این مسئله را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟ سرخم کردن روسیه یا کوتاه آمدن غرب و ناتو؟

درباره آینده جنگ اوکراین، به نظر بنده، دوره جنگ‌های اعلامی به پایان رسیده است و از این به بعد، دیگر جنگ‌ها وقتی که آغاز می‌شوند و به پایان می‌رسند، شاهد اعلام یا پایان جنگ نخواهیم بود. البته شاید این موضوع درباره اعلام جنگ در جنگ اوکراین صادق نباشد؛ اما به طور قطع درباره اعلام پایان جنگ، صادق خواهد بود و پیش‌بینی این است که ما شاهد روزی تحت عنوان پایان

جنگ در اوکراین، نخواهیم بود و این موضوع روند فرسایشی را به همین شکل، دنبال خواهد کرد و به صورت یک زخم، همیشه باز خواهد بود و این روند، دنبال خواهد شد. بحث‌هایی که از جانب برخی کشورهای اروپایی و کشورهای دیگر منطقه بیان می‌شود، همیشه تحت عنوان میانجی‌گری به صورت مشخص است؛ یک پژوهشگر آلمانی، مقاله‌ای نوشته در آن، در مورد مذاکرات، صحبت کرده بودند و طرح مذاکراتی، صرفاً یک مدل است، برای اینکه ما به خودمان، دروغ بزرگ را بگوییم و این که ما به دنبال حل کردن موضوع و مذاکره هستیم. در واقع، این موضوع، نتیجه‌ای نخواهد داشت و چالش‌ها در صحنه نبرد میان روسیه و اوکراین در همان صحنه نبرد، برطرف خواهد شد.